



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۱۴	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۹ / ۱۱
عنوان ۱	مواقیت الصلاة					
عنوان ۲	وقت نمازهای مغرب و عشاء					
عنوان ۳	ادامه تقریر مباحث آیت الله العظمی وحید (سَلَّمَهُ اللهُ تَعَالَى)					
عنوان ۴	جمع میان روایات ملاک وقت نماز مغرب					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه به بررسی تعارض ظاهری میان دو دسته از روایات معتبر در باب تعیین وقت نماز مغرب می پردازد: گروه نخست که ملاک را «استتار قرص خورشید» می دانند و گروه دوم که بر لزوم «زوال حمرة مشرقیه» تأکید دارند. استاد ابتدا نظریه مختار مبنی بر تفسیر استتار قرص به خروج خورشید از «أرض المصلی» (محدوده دید و شنید نمازگزار) را تبیین کرده و روایات حمرة مشرقیه را مفسر و نشانه تحقق استتار واقعی برمی شمارد. در ادامه، ضمن اشاره به دیدگاه آیت الله العظمی وحید خراسانی رحمته الله علیه مبنی بر وجود نصوص صحیح در هر دو طرف، سه وجه مشهور میان فقها مورد نقد و بررسی قرار گرفته است:

➤ نخست: نظریه شیخ طوسی مبنی بر حمل روایات حمرة مشرقیه بر استحباب تأخیر، که با روایات متواتر فضیلت «اول وقت» در تعارض دانسته شده است.

➤ دوم: حمل بر احتیاط در شبهه موضوعیه جهت احراز غروب، که با لسان روایات در بیان «حد و غایت» وقت سازگار نیست.

➤ سوم: حمل روایات استتار قرص بر «تقیه» به دلیل موافقت با دیدگاه عامه، که به عنوان وجه جمع راجح مورد تأیید قرار گرفته است.

درآمد بحث

در بررسی تعیین وقت نماز مغرب، روایات «استتار قرص» در تحقق وقت صلاة المغرب و روایات «لزوم غیوبة حمرة مشرقیه» (پنهان شدن سرخی طرف مشرق از محاذات قمة الرأس) را از نظر گذرانندیم. مشخص شد که در هر دو دسته، روایات کثیره صحیحه داریم؛ هرچند روایات دال بر ملاک بودن استتار قرص، از نظر تعداد بیشترند.

جمع میان روایات ملاک وقت نماز مغرب

اکنون باید دید جمع میان این دو گروه از روایات چگونه است. پیش تر و قبل از پرداختن به نظر شیخنا الأستاذ، گفتیم وجه جمع به نظر ما چنین است: مراد از «استتار قرص» در وقت مغرب، پنهان شدن خورشید از «مکان المصلی» نیست؛ بلکه از «أرض المصلی» است. ما از مکان نمازگزار به «أرض المصلی» تعبیر کردیم و گفتیم ملاک معتبر، استتار قرص از أرض مصلی است؛ و در تفسیر «أرض» در روایات نیز بیان شد که أرض هرکس، مدّ سمع و بصر (محدوده دید و شنیدن) اوست.

تبیین مفهوم «أرض المصلی» با استناد به روایات تقصیر

برای روشن شدن معنای «أرض المصلی»، از روایات مربوط به تقصیر (شکسته شدن) نماز مسافر کمک گرفتیم. قرآن کریم در آیه شریفه می فرماید:

﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ﴾^۱

هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید.

این آیه، «ضرب فی الأرض» (سفر کردن) را شرط می داند و روایات، آن را به «خفاء الأذان و الجدران» (پنهان شدن صدای اذان و دیوارهای شهر) تعریف کرده اند؛ لذا پیش از تحقق این حالت، «ضرب فی الأرض» محقق نشده است. برای نمونه، کسی که عازم سفر است، نمی تواند در کنار دروازه شهر، نمازش را شکسته بخواند؛ زیرا با اینکه قصد مسافت دارد، هنوز «ضرب فی الأرض» برای او حاصل نشده است. زمانی که از مرز شهر خارج شده، اما هنوز شهر را می بیند نیز «ضرب فی الأرض» بر او صادق نیست؛ بلکه پس از خفاء جدران و اذان است که این عنوان حاصل می گردد؛ یعنی زمانی «ضرب فی الأرض» صدق می کند که فرد از «أرض» خودش بیرون رفته باشد. روایت بیان می دارد که خروج از «أرض خود» به معنای بیرون رفتن آن سرزمین از مدّ سمع و بصر انسان است.

ما به استعانت از روایات باب تقصیر گفتیم که «أرض المصلی» یعنی محدوده ای که شخص نمازگزار از نظر دیدن و شنیدن، در آن قرار دارد؛ بنابراین استتار قرص به معنای غروب خورشید از افق دید مصلی است؛ به همین دلیل اگر کسی در دامنه کوهی باشد و در مقابلش ارتفاعاتی وجود داشته باشد، ممکن است خورشید از دید او غروب کند، اما همچنان بر قلّه کوه بتابد و دیده شود. در این صورت، برای او هنوز خورشید از «أرض المصلی» خارج نشده و استتار قرص محقق نگردیده است.

نظریه مختار در جمع میان روایات

گفتیم وجه جمع میان روایات استتار قرص و روایات حمرة مشرقیه این است که روایات «ذهاب حمرة مشرقیه»، معیار تحقق استتار قرص را بیان می کنند؛ پس هر دو دسته در پی بیان یک مطلب می باشند؛ اما روایات حمرة مشرقیه، مفسر روایات استتار قرص هستند. به عبارت دیگر، روایات زوال حمرة مشرقیه می گویند تحقق استتار قرص، به عبور حمرة مشرقیه از محاذات قمة الرأس (بالای سر) مصلی است که این امر در حکم خروج از «أرض المصلی» می باشد.

دیدگاه آیت الله العظمی وحید خراسانی رحمته الله علیه

شیخنا الأستاذ می فرمایند که از هر دو جهت، روایات صریحه و صحیحه داریم. از یک سو روایاتی هستند که صراحتهً ملاک وقت مغرب را استتار قرص خورشید می دانند و از سوی دیگر، روایاتی وجود دارند که به صورت صریح و صحیح، ملاک را ذهاب و زوال حمرة مشرقیه معرفی کرده اند.

به عنوان نمونه، در برخی روایات وقتی سؤال می شود: «وقت مغرب چه زمانی است؟» در پاسخ آمده است: «إذا غابت الشمس» و در توضیح غیوبة شمس می فرماید: «إذا غاب کرسیه»؛ و در روایاتی هم «کرسی» به «حاجب» تفسیر شده است؛ یعنی اگر ابروی خورشید غایب شد، غیوبة القرص نیز حاصل گردیده و وقت مغرب رسیده است. این روایات از حیث عبارت و دلالت صریح هستند و نشان می دهند وقت مغرب با استتار قرص شروع می شود، نه با زوال حمرة مشرقیه. در مقابل، روایات دیگری داریم که صراحت دارند در اینکه معیار، زوال حمرة مشرقیه است؛ مانند:

«سُئِلَ عَنْ وَقْتِ الْمَغْرِبِ، فَقَالَ: إِذَا غَابَ كُرْسِيُّهَا قُلْتُ: وَمَا كُرْسِيُّهَا؟ قَالَ: قُرْصُهَا، فَقُلْتُ: مَتَى يَغِيبُ قُرْصُهَا؟ قَالَ: إِذَا نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَلَمْ تَرَهُ»^۱.

این دسته از روایات که مربوط به استتار قرص هستند، در اینکه ملاک استتار خود قرص است، صریح و متعدّدند. از سوی دیگر، روایات حمرة مشرقیه را نیز در دست داریم که در میانشان روایات صریح بیان می دارند که ملاک، ذهاب حمرة مشرقیه است.

اکنون تکلیف چیست و چگونه باید میان این دو دسته جمع کرد؟

همچنین از جمله روایات صحیحه در باب زوال حمرة مشرقیه، روایتی است که حضرت علیه السلام در پاسخ سؤال سائل از وقت مغرب، به آیه شریفه: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا...»^۲ استشهاد می کنند^۳ و می فرمایند وقتی «جَنَّ اللَّيْلُ» شد، وقت مغرب حاصل می شود. «جَنَّ اللَّيْلُ» بر استتار قرص حمل نمی شود؛ بلکه زمانی است که شب همه جا را می پوشاند و به معنای ظلمت شب است که با صرف استتار قرص سازگار نیست.

در روایت دیگر خواندیم که فرمود: «مَسُّوا بِالْمَغْرِبِ قَلِيلًا...»^۴؛ یعنی نماز، بلافاصله بعد از استتار قرص صحیح نیست؛ بلکه باید وقت مغرب را به مساء (شب) بکشانید تا هوا رو به تاریکی برود؛ بنابراین هم روایات حمرة مشرقیه در عدم ملاکیت مجرّد استتار قرص و ملاک بودن زوال حمرة مشرقیه صراحت دارند و هم روایات استتار قرص، ملاک را پنهان شدن خود قرص می شمارند.

وجوه جمع پیشنهادی فقها

فقها وجوهی را برای جمع میان این دو دسته از روایات بیان کرده اند:

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب الصلاة، ابواب المواقیت، ب ۱۶، ح ۲۵.

۲. سورة انعام: ۷۶.

۳. ر. ک: وسائل الشیعة؛ کتاب الصلاة، ابواب المواقیت، ب ۱۶، ح ۶.

۴. همان؛ ح ۱۳.

وجه اول: حمل روایات حمرة مشرقیه بر استحباب (نظر شیخ طوسی)

شیخ طوسی رحمته الله روایات دال بر زوال حمرة مشرقیه را حمل بر استحباب می کند و وقت اصلی مغرب را همان استتار قرص می داند.

به عبارت دیگر، میان این دو دسته روایات، «تزامن ظهور و نص» وجود دارد؛ یعنی روایات اعتبار استتار قرص، نص در وجوب و تحقق وقت مغرب با استتار قرص می باشند؛ اما روایاتی که ملاک وجوب نماز مغرب را حمرة مشرقیه می دانند، ظهور در این دارند که ملاک، زوال حمرة مشرقیه است. ما ظهور در وجوب این دسته را حمل بر استحباب می کنیم و از وجوب مستفاد از ظهور، به نفع نص دست برمی داریم. نتیجه جمع میان این دو دسته روایت این خواهد بود که وقت نماز مغرب، همان استتار قرص است، لکن مستحب است که انتظار بکشیم تا حمرة مشرقیه زائل گردد.

نقد وجه اول: منافات با فضیلت اول وقت

این وجه جمع، اشکال دارد؛ زیرا روایات بسیار فراوانی داریم - که شاید بتوان ادعای تواتر کرد - که بر استحباب شدید نماز خواندن در اول وقت تأکید دارند. این تأکید بر اول وقت، چنان قوی است که لسان روایات از تخصیص نیز منصرف است.

وقتی تأکید بر ادراک فضیلت اول وقت تا این حد مسلم است، دیگر جایی برای این ادعا باقی نمی ماند که روایات حمرة مشرقیه را حمل بر استحباب تأخیر کنیم؛ زیرا مستحب بودن تأخیر از اول وقت، با اصل استحباب مؤکد اقامه نماز در همان اول وقت، در تعارض آشکار است. در روایات آمده است که اگر مشغول کار هستی و حتی اگر آب در دست داری، آن را زمین بگذار و نماز را در اول وقت به جا آور؛ یعنی تلاش فرد باید بر این باشد که فضیلت اول وقت را درک کند. حتی در مورد نافله هایی که پیش از فریضه خوانده می شوند نیز دستور تخفیف داده شده تا بتوان فضیلت اول وقت را درک نمود؛ مانند: روایت «خَفَّفَ فِي النَّافِلَةِ مَا اسْتَطَعْتَ»^۱. پس مسأله ادراک اول وقت به عنوان یک مستحب مؤکد، امری مسلم است که با حمل روایات ملاکیت حمرة مشرقیه بر استحباب تأخیر سازگاری ندارد.

پرسشگر: ...

استاد: آن دسته از روایات را حمل بر تضييع نماز می کنند؛ بدین معنا که شخص به نمازش بی اعتنائی کند تا به آخر وقت بیفتد. در روایت است که نماز خطاب به شخص مصلی می گوید: «ضَيَعْتَنِي ضَيَعَكَ اللَّهُ»^۲ (مرا ضایع کردی؛ خدا تو را ضایع کند).

۱. «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوَّلَ الْوَقْتِ وَفَضَّلَهُ، فَقُلْتُ: كَيْفَ أَصْنَعُ بِاللَّيْلِ رُكْعَاتٍ؟ فَقَالَ: خَفَّفَ مَا اسْتَطَعْتَ» ابوبصیر می گوید: امام صادق عليه السلام از [اول وقت] و فضیلت آن سخن گفتند. من عرض کردم: «[اگر بخوایم نماز را در اول وقت بخوانیم] با آن هشت رکعت [نافله] چه کنم؟» فرمودند: «تا جایی که می توانی، آنها را سبک (و کوتاه) بخوان»؛ [وسائل الشیعة؛ کتاب الصلاة، ابواب المواقیف، ب ۳، ح ۹].

۲. «... إِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ بَيْضَاءُ مُشْرِقَةٌ نَقُولُ: حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ، وَإِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بَعِيرٌ حُدُودُهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ نَقُولُ: ضَيَعْتَنِي ضَيَعَكَ اللَّهُ»؛ [الكافي؛ کتاب الصلاة، باب من حافظ علی صلاته أو ضیعیها، ح ۴].

پرسشگر: ...

استاد: ظاهراً آن روایت نظر به ابوالخطاب دارد که حضرت علیه السلام می فرماید: من به او گفتم نمازت را مقداری از استتار قرص به تأخیر انداز («مَسُوا بِالْمَغْرَبِ قَلِيلًا»); اما او سخن مرا تحریف کرد و گفت تا وقتی که هوا کاملاً تاریک شود (اشتباک النجوم) به تأخیر اندازند.

پرسشگر: ...

استاد: رسیدن وقت، به این معناست که همین که وقت رسید، نماز بخوانید.

پرسشگر: احتیاط چه می شود؟

استاد: آن وجه دیگری است و ما فعلاً در باب حمل روایات حمرة مشرقیه بر استحباب بحث می کنیم.

استاد آیت الله وحید رحمته الله علیه می فرمایند - و اشکالشان وارد است - که این وجه جمع قابل قبول نیست؛ چون روایات استحباب اول وقت چنان فراوان و قوی المضمون اند و دلالتشان محکم است که حتی آبی از تخصیص هستند؛ یعنی نمی توان گفت نماز اول وقت مستحب است مگر فلان مورد و فلان مورد.

وجه دوم: حمل بر احتیاط (احراز موضوع)

وجه جمع دیگری که مطرح شده، حمل روایات حمرة مشرقیه بر «احتیاط در شبهه موضوعیه» است؛ بدین معنا که روایات استتار قرص، ملاک اصلی را همان استتار قرص در وقت مغرب می دانند، و روایات مربوط به زوال حمرة مشرقیه (مثل: «مَسُوا بِالْمَغْرَبِ قَلِيلًا»؛ صبر کنید تا حمرة مشرقیه زائل گردد) برای «احراز» استتار قرص است، نه تعیین وقتی دیگر. یعنی این دستور، مقدمه علمیه ادراک و احراز موضوع محسوب می شود نه شبهه حکمیه؛ لذا نمی خواهد بیان کند که حکم وقت نماز مغرب، زوال حمرة مشرقیه است؛ بلکه در مقام بیان احتیاط در شبهه موضوعیه است؛ به عبارت دیگر، وقتی می خواهید غروب واقعی آفتاب را احراز کنید، باید صبر کنید.

تجربه نشان داده است که استتار قرص خورشید، پیش از رسیدن به خط افق رخ می دهد و این بدان معناست که انسان با پوشیده شدن قرص خورشید، در حصول استتار حقیقی قرص شک می کند؛ زیرا نمی داند وضعیت جو یا اتمسفر زمین مانع از دیدن خورشید شده است، یا در فاصله میان ما و خط اصلی افق، ارتفاعاتی وجود دارد که به چشم ما دیده نمی شود؛ ولی مانع از رؤیت استتار حقیقی است. سائل می پرسد: چگونه استتار قرص را احراز کنیم؟ حضرت علیه السلام نیز امر به احتیاط می کنند؛ چنان که در روایت دیگری خواندیم فرمود: «...أَرَى لَكَ أَنْ تَنْتَظِرَ حَتَّى تَذْهَبَ الْحُمْرَةُ وَ تَأْخُذَ بِالْحَائِطَةِ لِدِينِكَ»^۱ و همین قرینه ای است که روایات حمرة مشرقیه را بر احتیاط حمل کنیم؛ یعنی احتیاط در احراز استتار قرص، صبر کردن است تا حمرة مشرقیه از روی محاذات قمة الرأس بگذرد.

نقد وجه دوم

اما این وجه جمع نیز اشکال دارد؛ زیرا روایات زوال حمرة مشرقیه، صراحتاً ظهور در «حدّ» و «غایت» وقت دارند، نه در مقام بیان حکم برای جاهل یا شکاک. وقتی سائل از حدّ نهایی وقت سؤال می کند، امام علیه السلام باید حد واقعی را بیان کنند، نه اینکه بفرمایند احتیاط کن. اگر مبنا احتیاط بود، باید پاسخ به کسی داده می شد که به حکم واقعی جاهل است؛ در

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب الصلاة، ابواب المواقیف، ب ۱۶، ح ۱۴.

حالی که سائل در اینجا حدّ را می پرسد. لذا این وجه با صریح روایاتی که دلالت دارند بر اینکه ملاک اصلی در تحقق وقت مغرب، زوال حمرة مشرقیه است، منافات دارد.

وجه سوم: حمل بر تقیه

وجه جمع سومی که علما اختیار کرده اند، حمل روایات یکی از دو طرف بر تقیه است. در این حالت، چون روایات استتار قرص با نظر عامه (اهل سنت) موافق است، طبق روایات باب تعارض که یکی از ملاک ها را «خُذْ بِمَا خَالَفَ الْعَامَّةَ» معرفی کرده اند، از آنها به نفع روایات زوال حمرة مشرقیه اعراض کرده و روایات استتار قرص را بر تقیه حمل می کنیم. شیعیان با عامه زندگی می کردند و آنها همین که وقت غروب شمس حاصل می شد، نماز می گزاردند یا افطار می کردند؛ اما اگر شیعیان به خلاف آنان عمل می کردند، انگشت نما می شدند و جانشان به خطر می افتاد؛ لذا حضرت علیه السلام برای رعایت تقیه فرموده اند با استتار قرص نماز بخوانید یا افطار کنید.

از همین رو، ما نیز به دوستان توصیه می کنیم که در معاشرت ها و سفرهای همراه با اهل سنت، برای حفظ آرامش و جلوگیری از انگشت نما شدن یا به انگیزه حفظ وحدت، از اموری که موجب این مسائل می شود، بپرهیزند.

و صلّی الله علی محمد و آل محمد

مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت الله اراکی